

مطالعه تطبیقی حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و دارندگان حقوق مرتبط

سیدحسین صفایی^۱، محسن صادقی^{۲*}، حسن محسنی^۳

۱- استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پذیرش: ۸۴/۱۱/۱

دریافت: ۸۴/۷/۹

چکیده

حقوق معنوی به مزایای قانونی و غیرمادی اطلاق می‌شود که به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری وابسته است. بسیاری از مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها برای پدیدآورنده آثار ادبی و هنری، حقوق معنوی را شناسایی کرده‌اند که برخی از آنها دایمی بودن و برخی دیگر محدود بودن مدت حمایت از حقوق معنوی را پذیرفته‌اند. در مورد حقوق مرتبط (مجاور) برخی کنوانسیونها و پیمانهای بین‌المللی اساساً به حقوق معنوی نپرداخته‌اند و قوانین کشورهای نیز که حقوق معنوی را در خصوص حقوق مرتبط پذیرفته‌اند آنها را محدود به موارد خاصی کرده‌اند.

در این مقاله پس از بیان مبنا و مصادیق حقوق معنوی، جایگاه آن در حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط (مجاور) در قوانین فعلی مالکیت فکری ایران بررسی می‌شود. همچنین پیش‌نویس لایحه مالکیت ادبی و هنری، حقوق مرتبط و قوانین چند کشور خارجی به همراه مقررات کنوانسیونهای مرتبط نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: حقوق معنوی، حقوق مالکیت ادبی و هنری، حقوق مرتبط (مجاور).



۱- مقدمه

حقوق مالکیت فکری که مالکیت ادبی و هنری و صنعتی را دربرمی‌گیرد، در دنیای امروز بسیار مهم است و با توجه به نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، مقررات مفصل داخلی و بین‌المللی و ادبیات گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. در حقوق کشورهای پیشرفته و حتی در حال توسعه، مقررات جدیدی در این زمینه وضع شده و یا بنا به اقتضای نیازها و تحولات عصر نوین مقررات قبلی مورد بازنگری یا تکمیل قرار گرفته است. از آنجا که بسیاری از آثار فکری از محدوده مرزهای داخلی خارج شده و در سایر کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، این حقوق جنبه بین‌المللی پیدا کرده و در این باره پیمانهای بین‌المللی نیز وجود دارد.

آنچه در این مقاله بررسی می‌شود حقوق معنوی مربوط به بخشی از مالکیت‌های فکری یعنی حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط یا مجاور است. در میان حقوقی که قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی برای دارندگان این دسته از حقوق به رسمیت شناخته‌اند، حقوق معنوی^۱ بیش از حقوق مادی بحث برانگیز بوده و موجب اختلاف نظر کشورهای رومانیستی و کامن‌لا شده است. از این رو پس از بیان مبنا و مصادیق حقوق معنوی در بخش نخست مقاله، در بخشهای دوم و سوم جایگاه این حقوق به ترتیب در حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط بررسی می‌شود. لازم به ذکر است تمامی مطالب ارائه شده در این مقاله مبتنی بر مطالعات تحلیلی و تطبیقی در کنوانسیونهای برن، رم و حقوق کشورهای فرانسه، سوئیس، الجزایر، اتحادیه اروپا و قوانین فعلی ایران است. همچنین از آنجا که لایحه پیش‌نویس قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری ایران در سازمان ثبت اسناد و املاک تهیه شده و به تازگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد بازنگری قرار گرفته است، جایگاه حقوق معنوی در این لایحه نیز بررسی خواهد شد و مفاد آن با قوانین فعلی ایران و دیگر مقررات مقایسه می‌شود. در صورت قانونی شدن این لایحه، می‌توان با تفکر جدید قانونگذار و گرایشها و میزان انطباق آن با اسناد بین‌المللی مربوط به موضوع آگاه شد.

۲- مبنا و مصادیق حقوق معنوی

حقوق معنوی، مزایایی قانونی و غیرمادی مربوط به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری است. برخی حقوقدانان براساس ترجمه لفظی واژگان Droit moral، آن را «حقوق اخلاقی»

1. moral rights = droits moraux

ترجمه کرده‌اند] ۱، با این حال، اصطلاح «حقوق معنوی» اصطلاح رایج امروزی است که در این مقاله نیز به کار گرفته می‌شود.

این اصطلاح برای نخستین بار در قرن هجدهم به وسیله ایمانوئل کانت^۱، دانشمند آلمانی، مورد استفاده قرار گرفت. حقوق معنوی اولین بار در کنفرانس بین‌المللی رم (۱۹۲۸) شناسایی و به دولتهای عضو اتحادیه برن^۲ توصیه شد با به رسمیت شناختن این حق، قوانین حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری خود را تکمیل کنند. در حقوق ایران هر چند قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ برای نخستین بار و به‌طور ضمنی از این حقوق حمایت کرد، با این حال در متون ادبیات کهن ایران نیز از سوی نویسندگان و ادیبان مورد احترام بوده‌است؛ «صنعت تضمین» در نظم و نقل قول در نثر گویای همین مدعاست. برای مثال سعدی - علیه‌الرحمه - در یکی از اشعار معروف خود از فردوسی به‌عنوان گوینده بیت زیر یاد می‌کند:

« چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد »

« میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است »

از دیدگاه بسیاری از فقیهان و صاحب‌نظران اسلامی نیز هر چند به علت توجه به جنبه غیرمادی نشر علم، حقوق مادی پدیدآورنده حمایت نشده، اما حقوق معنوی مورد توجه قرار دارد. حمایت قانونی از حقوق معنوی دارنده حق به‌عنوان نظریه‌ای قاطع و اجماعی پذیرفته نشده است. اختلاف قوانین داخلی کشورهای کامن‌لا و رومی - ژرمنی و پیمانهای بین‌المللی در این زمینه بیانگر همین اختلاف نظر است. از این رو کنوانسیون رم^۳ برخلاف کنوانسیون برن^۴ به حقوق معنوی ذینفعان توجه نکرده و موافقتنامه تریپس^۵ نیز تنها به حقوق مادی پرداخته است.

ریشه این اختلاف به عقاید مختلفی باز می‌گردد که در خصوص فلسفه حمایت از آثار فکری وجود دارد:

1. Emmanuel Kant
2. Berne union
3. rome convention(1961)
4. bern convention(1886-1971)
5. TRIPS agreement(1994)



دیدگاه نخست که در حقوق کامن‌لا رایج می‌باشد بر آن است که حمایت از آفرینش‌های فکری به واسطهٔ زمان، سرمایه و مهارتی است که برای یک اثر صرف شده است، به عبارت دیگر حمایت از حقوق فکری با هدف حمایت از سرمایه صورت می‌پذیرد.

در مقابل این دیدگاه، عقیده دیگری قرار دارد که در حقوق رومی-ژرمنی رایج بوده و براساس آن، شناسایی حقوق مادی و عدم توجه به حقوق معنوی، پاسخگوی کامل فلسفهٔ حمایت از دارندگان حق نیست، چرا که حمایت از این اشخاص با هدف احترام به شخصیت آنها صورت پذیرفته است [۲].

از میان این دو نظر، نظر اخیر با موازین و اصول حقوقی ایران سازگارتر است.

صرفنظر از این اختلاف، برای حقوق معنوی مصادیق متعددی برشمرده‌اند:

در این بخش تنها به برشماری و بیان مفهوم این مصادیق می‌پردازیم و در بخش‌های دیگر این مقاله از جایگاه آنها در قوانین مختلف سخن می‌گوییم. مهمترین مصادیق حقوق معنوی عبارتند از:

الف) حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر

برخی اساتید از این حق به حق انتشار تعبیر می‌کنند [۳]؛ اما این تعبیر باعث می‌شود تا «حق نشر اثر» - که از مصادیق حقوق مادی است - به ذهن تداعی شود؛ لذا عبارت مذکور در بند الف مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

تصمیم‌گیری در مورد نخستین انتشار یا عدم انتشار اثر، حق انحصاری پدید آورنده است و هیچ‌کس نمی‌تواند او را مجبور به این کار کند. پس از مرگ صاحب اثر در صورت عدم انتشار آن اثر در زمان حیاتش قائم مقام قانونی او می‌تواند در این خصوص اتخاذ تصمیم کند.

ب) حق ولایت بر اثر (حق انتساب اثر)^۱

این حق پیوندی است که صاحب اثر را به اثر خلق شده مرتبط می‌کند [۴]. به موجب این حق هرگاه اثر منتشر گردد باید نام پدیدآورنده یا نام مستعار او روی اثر درج شود مگر اینکه

1. paternity right

پدیدآورنده تصمیم به انتشار بی‌نام اثر بگیرد. همچنین او می‌تواند به استناد این حق، نسبت به انتساب جعلی اثر اعتراض کند.

ج) حق حرمت اثر (تمامیت اثر)^۱

از آنجا که اثر فکری به شخصیت آفریننده او وابسته است، از این رو تمامیت اثر باید محترم شمرده شود و هیچکس بدون موافقت خالق اثر نباید آن را تغییر دهد. این حق دیگران را از تحریف^۲، ناقص سازی^۳ و تغییرات اثر مورد حمایت منع می‌کند.

د) حق عدول یا استرداد^۴

به موجب این حق، پدیدآورنده اثر ادبی و هنری، پس از انتقال حق بهره‌برداری مادی از اثر و حتی پس از انتشار، می‌تواند آن را پس گرفته و مانع نشر مجدد آن شود. فلسفه شناسایی این حق آن است که شخصیت صاحب اثر در آنچه پدید آورده متبلور شده است و هنگامی که بنا به مصالحی مایل به انتشار مجدد اثر خود نیست تحمیل قرارداد بر او، اجبار وی به خلق اثر است که عملی غیرقانونی و غیراخلاقی به شمار می‌آید. از میان این چهار مصداق حق معنوی، حق استرداد اثر و حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر تنها در برخی کشورها مانند فرانسه بر خلاف کشورهای کامن‌لا پذیرفته شده است [۶،۵].

۳- جایگاه حقوق معنوی در حقوق مالکیت ادبی و هنری

در مهمترین کنوانسیون بین‌المللی راجع به حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری (کنوانسیون برن) حقوق معنوی به صراحت مورد حمایت قرار گرفته است. ماده ۶ این کنوانسیون برای دارنده، حق انتساب یا ولایت بر اثر و حق حرمت یا تمامیت اثر را به رسمیت شناخته است. همچنین ماده ۶ مکرر، حق حرمت اثر را دارای دو وجه دانسته است:

اول) منع اعمال تحریف‌کننده، ناقص‌کننده و تغییر دهنده (ماده ۶ مکرر)؛

1. integrity right
2. distortion
3. mutilation
4. droit de repentir ou de retrait



دوم) منع اعمال تجاوزکارانه که به شهرت و حیثیت پدیدآورنده اثر لطمه وارد می‌کند. قید تجاوز به شهرت و حیثیت در بند یک ماده ۶ مکرر نشان می‌دهد که اصلاحات تغییرات جزئی اگر به حیثیت پدیدآورنده لطمه نزنند مشمول منع کنوانسیون نیست [۷].

این قید در برخی کشورها مثل فرانسه وجود ندارد، به طوری که در قانون مالکیت فکری این کشور حتی تغییرات جزئی نیز نیازمند کسب اجازه از پدیدآورنده است. همچنین بند ۲ ماده ۶ مکرر، حمایت از حقوق معنوی را لااقل تا پایان مدت حقوق مادی ضروری شناخته است.

موافقتنامه تریپس از آنجا که مبتنی بر بنیانی اساساً اقتصادی است، در بند یک ماده ۹ کشورهای عضو را از تکلیف حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری معاف کرده است. با این حال متن پیشنهادی (قانون نمونه) سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ - که ترجمه آن با تغییرات لازم به عنوان لایحه قانون مالکیت ادبی و هنری فراهم آمده است - در کنار حقوق مادی، حقوق معنوی را نیز برای پدیدآورنده به رسمیت شناخته و برای قانونگذاری به اعضای سازمان پیشنهاد داده است. مطابق ماده ۱۷ این متن:

(۱) پدیدآورنده اثر علاوه بر حقوق مادی خود و حتی در مواردی که وی دیگر مالک حقوق مذکور نیست، دارای حقوق زیر خواهد بود:

الف) درج نام او به طور مشخص بر روی نسخه‌های اثر و در ارتباط با هرگونه استفاده از اثر توسط عموم تا حدی که عملی باشد؛

ب) عدم درج نام او بر نسخه‌های اثر و در ارتباط با هرگونه استفاده از اثر توسط عموم و استفاده از نام مستعار؛

ج) اعتراض به هرگونه دخل و تصرف، تحریف یا هرگونه تغییر اثر یا سایر افعال توهین آمیز مربوط به اثر او که به حیثیت و شهرت او آسیب می‌رساند.

(۲) هیچ یک از حقوق مذکور در بند (۱) فوق در دوران زندگی پدیدآورنده قابل انتقال نخواهد بود ولی اعمال هر یک از حقوق مذکور پس از مرگ پدیدآورنده اثر به موجب وصیت یا قانون (ارث) قابل انتقال خواهد بود.

(۳) پدیدآورنده ممکن است از هر یک از حقوق معنوی مذکور در بند یک صرف نظر کند مشروط بر آن که این انصراف به صورت کتبی بوده و به روشنی بیانگر حق یا حقوق

انصراف داده شده باشد و شرایطی که به موجب آن انصراف اعمال می‌شود به اضافه انصراف از حقوق به موجب قسمت (ج) بند یک، طبیعت و میزان تغییر یا دیگر اعمال مربوط به انصراف از حق را مشخص کند. پس از مرگ پدیدآورنده، شخص حقیقی یا حقوقی که حقوق معنوی به او اختصاص یافته است دارای حق انصراف از حقوق مذکور خواهد بود.

چنانکه می‌بینیم در این متن تنها به دو مصداق از چهار مصداق حق معنوی، یعنی حق انتساب اثر (قسمتهای الف و ب بند یک) و حق تمامیت اثر (قسمت ج بند یک) اشاره شده است. ماده ۷ قانون نمونه سازمان جهانی مالکیت فکری - که در بالا به آن اشاره شد - حقوق مذکور در دوران زندگی پدیدآورنده قابل انتقال نمی‌داند، اما هیچ اشاره‌ای به دائمی بودن این حقوق نکرده و با تفکر حاکم بر نظام کامن‌لا سازگار است.

رعایت حقوق معنوی پدیدآورندگان در حقوق کشور فرانسه - که نمونه بارز نظام رومی - ژرمنی است - در ماده ۱-۱۲۱ L قانون مالکیت فکری آن کشور بدین صورت حمایت شده است: «پدیدآورنده از حق احترام به نام خود، عنوان خود و اثر خود بهره‌مند است. این حقوق به شخصیت او وابسته است. این حق دائمی و غیر قابل انتقال است و مشمول مرور زمان نمی‌شود. این حق به سبب مرگ، به وراث پدیدآورنده قابل انتقال است. اجرای حق ممکن است به شخص ثالثی به موجب مقررات مربوط به وصیت و اگذار شود». بدین ترتیب، قانونگذار فرانسوی علاوه بر اینکه به احترام به نام پدیدآورنده اثر (حق انتساب اثر) و به خود اثر (حق تمامیت اثر) صریحاً اشاره کرده است، خصایص این حقوق (دائمی بودن، غیرقابل انتقال بودن، وابسته به شخصیت پدیدآورنده بودن غیر قابل مرور زمان بودن) را نیز به صورت روشن بر شمرده است. همچنین این ماده در خصوص بقای این حق پس از مرگ پدیدآورنده آن نیز تعیین تکلیف کرده و آن را تابع مقررات ارث و وصیت و حقوق معنوی را واجد خصیصه نظم عمومی شناخته است [۸].

ماده ۲-۱۲۱ L همین قانون، حق تصمیم‌گیری در خصوص انتشار اثر و شرایط آن را به پدیدآورنده و پس از مرگ وی به وصی و در صورت نبودن وصی به وراث پدیدآورنده اختصاص داده است. ماده ۳-۱۲۱ L برای جلوگیری از سوء استفاده آشکار نمایندگان متوفی مذکور در ماده قبل، به وزیر فرهنگ اختیار داده است تا به دادگاه شهرستان مراجعه کند و دادگاه مزبور می‌تواند هرگونه قرار مقتضی را در این خصوص صادر نماید.



قانونگذار فرانسوی برای پدیدآورنده اثر، مصداق جدیدی از حق معنوی را پیش بینی کرده است که در قوانین سویس، الجزایر، اتحادیه اروپایی و متن سازمان جهانی مالکیت فکری دیده نمی‌شود. این حق که «حق عدول یا استرداد» نامیده می‌شود، به پدیدآورنده اثر اجازه می‌دهد که حتی پس از انتشار آن، اثر را از منتقل‌الیه پس گرفته و مانع انتشار مجدد آن شود. ماده ۴-۱۲۱ L قانون مالکیت فکری که این حق را پیش بینی کرده است در عبارت پایانی خود مقرر می‌دارد «... اگر پدیدآورنده پس از اعمال حق عدول، خود تصمیم به انتشار اثر بگیرد ملزم است به استناد حق تقدمی که در بهره برداری آن اثر برای منتقل‌الیه قبلی ایجاد شده است، تحت شرایطی که قبلاً تعیین شده به او پیشنهاد انتشار دهد». دادگاه شهرستان پاریس نیز در رأی مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ خود ضمانت اجرای الزام پدیدآورنده به رعایت حق تقدم منتقل‌الیه قبلی را جبران خسارات وارد به او دانسته است [۹].

همچنین ماده ۵-۱۲۱ L چنین مقرر نموده است که اگر یک اثر ادبی و هنری بر روی یک اثر صوتی و تصویری تثبیت شود، هرگونه تغییر یا حذف یکی از مطالب مندرج در آن اثر نیازمند کسب اجازه از پدیدآورنده اثر ادبی و هنری است، نه تولیدکننده اثر صوتی و تصویری است. از مفاد این ماده چنین برمی‌آید که قانونگذار فرانسوی برای تولیدکنندگان آثار صوتی و تصویری به‌عنوان دارندگان حقوق مرتبط، حق معنوی قایل نشده است.

ماده ۷-۱۲۱ L این قانون - که در ۱۰ مه ۱۹۹۴ به قانون مالکیت فکری آن کشور الحاق شد- برای تولیدکنندگان نرم افزارهای رایانه‌ای نیز قایل به حق عدول یا استرداد و حق تمامیت اثر شده است. در دستورالعمل‌های حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای و دستورالعمل راجع به ماهواره‌های اتحادیه اروپا، تنها به حقوق مادی پدیدآورنده توجه شده و هیچ حکمی درباره حقوق معنوی مقرر نشده است. ماده یک در دستورالعمل هماهنگ سازی مدت حمایت از حقوق پدیدآورنده و حقوق مرتبط (۱۹۹۳)، به طور مطلق از مدت حمایت مقرر در کنوانسیون برن سخن گفته است و از اطلاق ماده مزبور چنین برمی‌آید که حقوق معنوی نیز مورد توجه این دستورالعمل بوده است. با این حال، از آنجایی که در هیچ یک از مواد دستورالعمل به حقوق معنوی اشاره نشده و تنها مدت حمایت حقوق مادی تصریح شده است، می‌توان نتیجه گرفت که این سند نیز به حقوق معنوی توجهی نداشته است. بر خلاف دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا، بسیاری از کشورهای عضو این اتحادیه در قوانین داخلی خود به لزوم حمایت از حقوق معنوی تصریح کرده‌اند برای مثال مواد ۱۲ تا ۱۴ قانون حقوق پدیدآورنده و حقوق مرتبط آلمان

(۱۹۶۵)، بخش یک فصل چهار قانونی کپی راییت انگلستان (۱۹۸۸) و موادی از قانون مالکیت ادبی و هنری ایتالیا و اسپانیا برای پدیدآورنده حقوق معنوی قایلند، با این تفاوت که بر خلاف ایتالیا و اسپانیا که دائمی بودن حقوق معنوی را پذیرفته‌اند، قانون انگلستان حمایت از این حقوق را تا زمان حمایت از حقوق مادی ضروری می‌داند.

با اختلافی که میان قوانین داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دستورالعمل این اتحادیه در خصوص حقوق معنوی وجود دارد، ماده ۹ دستورالعمل مدت حمایت، مقرر می‌دارد که مفاد این سند، خللی به قوانین داخلی کشورهای عضو - که حقوق معنوی را پیش بینی کرده‌اند - وارد نمی‌کند و در نتیجه این کشورها می‌توانند برای پدیدآورنده حقوق معنوی قایل شوند؛ چنانکه انگلستان به میزان حمایت از حقوق مادی (۷۰ سال) حقوق معنوی را نیز شناسایی کرده است [۷، ص ۸۳۴].

قانونگذار کشور سوئیس در قانون فدرال راجع به حقوق پدیدآورنده و حقوق مجاور به حقوق معنوی پدیدآورنده اشاره کرده است. به موجب بند ۲ ماده ۹ این قانون، پدیدآورنده حق تصمیم‌گیری انحصاری در خصوص شیوه و زمان انتشار اثر خود را دارد. همچنین او می‌تواند تصمیم بگیرد که این اثر تحت چه نامی منتشر شود. ماده ۱۱ نیز طی سه بند به پدیدآورنده اثر حق تمامیت اثر را اعطا کرده است. مطابق ماده ۱۱، تنها پدیدآورنده است که می‌تواند در مورد زمان و شیوه تغییر اثر و نیز زمان و شیوه استفاده از اثر برای ایجاد یک محصول اشتقاقی^۱ اتخاذ تصمیم کند.

فرمان شماره ۰۳-۰۵ الجزایر راجع به حقوق پدیدآورنده و حقوق مجاور طی مواد ۲۲ تا ۲۶ به حمایت از حقوق معنوی پرداخته است. به موجب این فرمان و برای پدیدآورنده یا نام مستعار او (ماده ۲۲)، حق ادعای درج نام یا نام مستعار و درج سمت بر روی جلد های مناسبی از اثر (ماده ۲۳)، حق تقاضای توقیف نسخه‌هایی از اثر که عقاید او را تغییر داده و منحرف ساخته‌اند (ماده ۲۴) و حق مطالبه رعایت تمامیت اثر و مخالفت با هرگونه تغییر یا تحریف اثر که به شهرت و اعتبار یا منافع مشروع او لطمه وارد می‌کند (ماده ۲۵) پیش‌بینی شده است. همچنین به موجب ماده ۲۶ این فرمان «وراث یا هر شخص حقیقی یا حقوقی (دفتر ملی حقوق



پدیدآورنده و مجاور در صورت نبودن وراثت) که این حقوق پس از مرگ پدیدآورنده به او منتقل می‌شود، می‌تواند حقوق مذکور در مواد ۲۲ تا ۲۵ را اعمال کند».

در قوانین فعلی ایران (قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹)، تعریفی از حقوق معنوی به عمل نیامده است، با این حال به مصادیقی از آن اشاره شده است. برای مثال ماده ۱۸ قانون مصوب ۱۳۴۸ با پیش‌بینی کردن حق ولایت بر اثر، انتقال‌گیرنده، ناشر و کسانی که اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثر را برای انتفاع دارند، مکلف کرده‌است نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف آن همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج کنند مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد. همچنین ماده ۱۹ این قانون با این عبارت که «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است» بر حق حرمت اثر تصریح کرده است.

در قانون مصوب ۱۳۵۲ تنها به حق ولایت بر اثر اشاره شده است. مطابق عبارت آخر ماده یک این قانون: «... ذکر نام مترجم در تمامی موارد استفاده الزامی است». ماده ۳ قانون ۱۳۷۹ نیز مقرر می‌دارد: «نام، عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف نرم افزار است، از حمایت این قانون برخوردار است و هیچکس نمی‌تواند آنها را برای نرم افزار دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القا شبیه کند به کار برد...». در ماده ۴ قانون ۱۳۴۸ و قسمت اخیر ماده یک قانون ۱۳۷۹ به دائمی بودن حقوق معنوی اشاره شده است و از مفهوم مخالف ماده یک قانون ۱۳۵۲ نیز غیر قابل انتقال بودن حقوق معنوی استنباط می‌شود.

لایحه پیش‌نویس قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری مقررات و جمله‌بندی ماده ۷ مشابه ماده ۷ سازمان فکری جهانی مالکیت است؛ از این رو برای جلوگیری از اطاله کلام به منطوق آن اشاره نمی‌شود و تنها به ذکر تفاوت‌های این دو متن می‌پردازیم:

الف) ماده ۷ لایحه برخلاف ماده ۷ متن آن سازمان برای اعمال حقوق اشخاص فاقد وراثت یا وصی تعیین تکلیف کرده و نهادی دولتی را برای این کار پیش‌بینی کرده است.

ب) بند (۳) ماده ۷ سازمان جهانی مالکیت فکری امکان اعراض از حقوق معنوی را پیش‌بینی کرده است؛ در حالی که در ماده ۷ لایحه چنین مقرراتی دیده نمی‌شود. در این باره

ممکن است این تفسیر به ذهن برسد که با توجه به اصل کلی امکان اعراض و اسقاط حقوق (طبق قاعده لکل ذی حق اسقاط حقه)، احتیاجی به این تصریح نبوده و دارنده حق می‌تواند از حق خود اعراض کند؛ اما با توجه به اینکه در حقوق فرانسه حق معنوی پدیدآورنده از مصادیق نظم عمومی است [۱۰] و در حقوق ایران نیز حمایت از حق معنوی پدیدآورنده ناشی از احترام به شخصیت اوست و حقوق غیر مالی مربوط به شخصیت نیز واجد خصیصه نظم عمومی هستند و قابل اسقاط نمی‌باشند، از این رو پذیرش تفسیر مذکور با اشکال روبه‌رو می‌شود و بهتر است در متن لایحه به امکان یا عدم امکان اعراض از حقوق معنوی تصریح شود. از دیدگاه نویسندگان امکان اسقاط حق معنوی با منع قانونی مواجه نیست چون هر امری مباح است مگر آنکه نهی شده باشد.

ج) تفاوت سوم متن لایحه با متن سازمان جهانی مالکیت فکری آن است که بند (۳) ماده ۷ لایحه، مطابق اصول حقوقی مالکیت فکری ایران، بر دائمی بودن حقوق معنوی پدیدآورنده تصریح کرده است. در حالی که متن پیشنهادی سازمان وایپو با توجه به غلبه تفکر حاکم در کشورهای توسعه یافته مبنی بر محدود کردن این حقوق، به دائمی بودن یا نبودن این حقوق هیچ اشاره‌ای نکرده است. تصریح به دائمی بودن حقوق معنوی با توجه به ارتباط آن با شخصیت پدیدآورنده و انطباق آن با تفکر حاکم بر حقوق مالکیت فکری ایران اقدامی قابل پیش‌بینی بوده است. اما، برای جلوگیری از ایجاد تعهدات زیاد بین‌المللی کشور ما در عرصه بین‌المللی توصیه می‌شود مدت حقوق معنوی به حقوق مادی محدود گردد. بند (۳) ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن کشورهای عضو را در خصوص این موضوع مختار کرده است؛ از این رو در صورت عضویت احتمالی ایران در این کنوانسیون تعارضی میان بند (۳) ماده ۷ لایحه و مقررات کنوانسیون برن پیش نخواهد آمد.

۴- جایگاه حقوق معنوی در حقوق مرتبط (مجاور)

منظور از حقوق مرتبط^۱ یا حقوق مجاور^۲ امتیازاتی است که برای وابستگان به آفرینش ادبی و هنری در نظر گرفته شده‌است و این اشخاص خود پدیدآورنده آن آثار محسوب نمی‌شوند [۶، ص ۱]. مهمترین کنوانسیون‌هایی که از حقوق دارندگان حق مرتبط حمایت کرده

1. related rights= droits connexes

2. neighboring rights= droit voisins



است، کنوانسیون رم (۱۹۶۱) می‌باشد. این کنوانسیون برای اجرا کنندگان^۱، تولید کنندگان آثار صوتی^۲ و سازمانهای پخش رادیویی و تلویزیونی^۳ به‌عنوان دارندگان حقوق مرتبط، امتیازاتی مقرر کرده است. موافقتنامه تریپس نیز در ماده ۱۴ خود با برشماری این سه گروه بر حمایت از حقوق مرتبط تأکید دارد.

در کنوانسیون رم مانند حقوق سوئیس و دستورالعمل اتحادیه اروپا به دلیل تفکر اقتصادی غالب، توجهی به حقوق معنوی دارندگان حق نشده است. با این حال در بند یک ماده ۵ معاهده اجراها و آثار صوتی و ایپو^۴، به حقوق معنوی توجه شده است اما تنها مختص اجراکننده حقیقی است. مطابق این بند: «صرفنظر از حقوق مادی اجرا کننده و حتی پس از انتقال آن حقوق، اجراکننده در قبال اجراهایی که در آثار صوتی تثبیت شده‌اند از حق ذکر نام خود به‌عنوان اجرا کننده برخوردار است مگر در مواردی که شیوه استفاده از آن اجرا، عدم ذکر نام را ایجاب کند همچنین وی حق دارد با هرگونه تغییر، ناقص سازی یا دیگر تغییرات در اجرا - که شهرت او را خدشه دار می‌کند- مخالفت نماید».

عدم توجه به حقوق معنوی در موافقتنامه تریپس نیز دیده می‌شود. هر چند در این موافقتنامه ماده‌ای به این امر اشاره نکرده است اما از آنجا که هدف تریپس، برخورد یکسان با حقوق پدیدآورنده و حقوق مرتبط است [۱۱] و در مورد حقوق پدیدآورنده (همان طور که در بخش ۳ مقاله ذکر شد) مقررات حقوق معنوی اعمال نمی‌شود، نسبت به حقوق مرتبط نیز همین حکم جاری است.

قانون کپی رایت انگلستان (۱۹۸۸) نیز حمایت از حقوق معنوی را در مورد دارندگان حقوق مرتبط پیش بینی نکرده است؛ اما با ملحق شدن این کشور به معاهده اجرا و آثار صوتی و ایپو برای اجرا کنندگان حقیقی، قایل به حق حرمت نام و خود اثر شده است. این رویه در کشور آمریکا نیز دیده می‌شود [۲، ص ۸۳].

تفکیک میان اجرا کننده با دیگر دارندگان حقوق مرتبط چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیویی و تلویزیونی نیز باید از حق حرمت نام و اثر خود برخوردار باشند؛ چرا که نام آنها روی اثر صوتی یا برنامه رادیویی و تلویزیونی

1. performers
2. producer of phonograms
3. broadcasting organisations
4. WPPT. (wipo performances and phonograms treaty)

قید شده است. با این حق آنها می‌توانند دیگران را از تغییر یا تحریف نام یا خود اثر یا نام تولید کننده و سازمان پخش رادیویی و تلویزیونی منع کنند. تدوین کنندگان متن سازمان جهانی مالکیت فکری همانند معاهده اجرا و آثار صوتی، تنها در مورد محدودی قایل به حقوق معنوی شده‌اند. ماده ۲۱ این سند پس از بر شماری حقوق مادی اجرا کننده، در بند ۳ خود مقرر می‌دارد:

«صرفنظر از حقوق مادی اجرا کننده و حتی پس از انتقال حقوق مذکور، اجرا کننده در خصوص اجراهای زنده شنیداری خود و اجراهایی که در رسانه‌های صوتی ثبت شده‌اند حق خواهد داشت که نامش به‌عنوان اجرا کننده ذکر شود به استثنای مواردی که حذف نام او به اقتضای روش استفاده از اجرا لازم باشد و همچنین حق خواهد داشت در برابر هرگونه تحریف، ناقص سازی یا هرگونه تغییر شکل اجرا که به شهرت او لطمه وارد کند اعتراض نماید. مفاد بند ۲ ماده ۷ با انجام تغییرات لازم در خصوص حقوق اعطا شده در این بند قابل اجرا خواهد بود.»

چنانکه ملاحظه می‌شود حقوق معنوی مذکور تنها مختص اجرا کنندگان است، چرا که در مورد تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیویی و تلویزیونی ماده‌ای مشابه در متن سازمان جهانی مالکیت فکری دیده نمی‌شود. همچنین این بند با ارجاع به بند ۲ ماده ۷، این حقوق را در زمان حیات صاحب حق، قابل انتقال نمی‌داند. با این حال در بند آخر ماده ۲۱ مدت حمایت از حقوق معنوی اجرا کننده، به ۵۰ سال پس از سال تثبیت^۱ اجرا و در صورت عدم تثبیت، ۵۰ سال پس از سال اجرا محدود شده است، از این رو دائمی بودن حقوق معنوی پذیرفته نشده است.

در کشور فرانسه، حمایت از حقوق معنوی اجرا کنندگان، سابقه‌ای قدیمتر از قانون مالکیت فکری مصوب ۱۹۸۵ دارد؛ به طوری که رویه قضایی این کشور در آرای شعبه سوم دادگاه شهرستان پاریس در ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۶ لطمه^۲ وارد بر شهرت هنری اجرا کننده را مستحق جبران دانسته است و پخش رادیویی و تلویزیونی اجرا بدون رضایت صریح اجرا کننده حق را ممنوع کرده است [۶، ص ۶۵]. با تصویب قانون ۱۹۸۵، حقوق معنوی اجرا کننده صراحتاً در ماده ۲-۲۱۲ L حمایت شد. مطابق این ماده: «اجرا کننده از حق حرمت نام و عنوان و اجرای



خود برخوردار است این حق غیر قابل انتقال به غیر بوده و مشمول مرور زمان نمی‌شود. این حق قابل انتقال به وراث اجرا کننده برای حمایت از اجرا و خاطرۀ متوفی است.»

چنانکه می‌بینیم کشورهای رومی - ژرمنی (مانند فرانسه)، توجه بیشتری به حقوق معنوی اجرا کننده داشته و گاه آن را دائمی دانسته‌اند. همچنین بند یک ماده ۸۳ قانون حقوق پدیدآورنده و حقوق مجاور (۱۹۶۵) آلمان، برای اجرا کننده حقی دائمی بر منع تحریف یا هر جایگزین دیگر اجرایش که به شهرت او لطمه می‌زند، قایل شده است.

قانونگذار الجزایر نیز در فرمان شماره ۰۳-۰۵ مورخ ۱۹ جمادی الاول ۱۴۲۴ راجع به حقوق پدیدآورنده و حقوق مجاور به‌رغم آنکه در بسیاری از موارد از متن قانون نمونه سازمان جهانی مالکیت فکری تبعیت کرده‌است، در خصوص حق معنوی اجرا کننده قایل به تفاوتی مهم شده‌است. ماده ۱۱۲ این فرمان پس از آنکه برای اجرا کننده، حق ذکر نام یا نام مستعار و نیز حق احترام به تمامیت اجرا و حق مخالفت با هرگونه تغییر یا تغییر شکل که به شهرت او لطمه می‌زند را مقرر کرده‌است، بیان می‌دارد: «حقوق معنوی، غیر قابل انتقال بوده و مشمول مرور زمان نمی‌شوند و نمی‌توانند مورد انصراف قرار گیرند». بنابراین، قانون الجزایر حقوق معنوی اجرا کننده را دایمی دانسته و از این حیث با متن واپیو متفاوت است.

در حقوق ایران ماده ای که صراحتاً به حقوق معنوی دارندگان حقوق مرتبط پرداخته باشد، دیده نمی‌شود؛ اما می‌توان با توجه به قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)، حمایت‌هایی را برای دارندۀ حقوق قایل شد. هر چند ماده ۱۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ چنین بیان می‌دارد: «مقررات این قانون در هیچ مورد، حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد»، اما برخلاف حقوق فرانسه که آثار صوتی و تصویری، اجرای اجراکنندگان و بنگاه‌های پخش سمعی و بصری^۱ را تحت عنوان «حقوق مجاور پدیدآورنده»^۲ مدنظر قرار داده است، ظاهراً در کشور ما چنین تفکیکی مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به وضعیت قانونی کنونی ایران باید گفت که تمامی این حقوق تحت عنوان حقوق پدیدآورنده بررسی شده است و از این رو نمی‌توان در حقوق ایران، ساختار و مبنایی مجزا برای حقوق معنوی دارندگان حقوق مرتبط متصور شد. بنابراین، از آنجا که ذینفعان حقوق مزبور ظاهراً در حکم پدیدآورنده محسوب

1. entreprises de communication audiovisuelle

2. droits voisins du droit d'auteur

می‌شوند، می‌توان احکام راجع به حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان را به دارندگان حق مرتبط نیز تسری داد.

قانون ۱۳۴۸، حق ولایت بر اثر (مواد ۳ و ۱۷)، حق حرمت اثر (مواد ۳ و ۱۷) و حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر (ماده ۳) را پیش‌بینی کرده است. همچنین از آنجایی که طبق ماده ۱۰ قانون سال ۱۳۵۲ در موارد سکوت این قانون، مواد قانون ۱۳۴۸ اعمال می‌شود، می‌توان در ایران نیز برای سه گروه دارنده حق مرتبط (اجراکنندگان، سازمانهای پخش رادیویی و تلویزیونی و تولیدکنندگان آثار صوتی) قایل به حقوق معنوی شد.

لایحه پیش‌نویس قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری ایران برای رفع هرگونه تردید و نیز در راستای انطباق با متن سازمان جهانی مالکیت فکری، به حقوق معنوی توجه کرده است. اما در پیش‌نویس این لایحه اولاً حقوق معنوی تنها به اجراکننده اختصاص یافته است نه دو گروه دیگر از دارندگان حق مرتبط؛ ثانیاً حقوق معنوی اجراکننده برخلاف متن آن سازمان همانند موضع قوانین فعلی ایران درباره حقوق معنوی و همانند حقوق فرانسه و الجزایر دائمی است. به موجب بند ۳ ماده ۲۱ این لایحه، «جدا از حقوق مادی اجراکننده و حتی پس از انتقال حقوق مذکور، اجراکننده در خصوص اجراهای سمعی زنده خود و اجراهایی که ضبط شده‌اند حق خواهد داشت که نامش به‌عنوان اجراکننده ذکر شود به استثنای مواردی که حذف نام او به اقتضای روش استفاده از اجرا لازم باشد و همچنین حق خواهد داشت در برابر هرگونه دخل و تصرف، تحریف یا هرگونه تغییر شکل اجرا که به شهرت او لطمه وارد کند اعتراض نماید. مفاد بند ۲ ماده ۷ با انجام تغییرات لازم در خصوص حقوق اعطا شده در این بند قابل اجرا خواهد بود». همچنین ادامه این بند با قابل اعمال دانستن مدت نامحدود حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان بر حقوق معنوی اجراکنندگان، قایل به نامحدود بودن این دسته از حقوق شده است.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این تحقیق عبارت است از:

(۱) حقوق معنوی، وابسته به شخصیت پدیدآورنده است و مهمترین مصادیق آن عبارتند از: حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر، حق ولایت بر اثر، حق حرمت اثر و حق عدول یا استرداد. از میان این چهار مصداق، برخی قوانین مانند قانون مالکیت فکری فرانسه به تمام آنها تصریح دارد و برخی نیز تنها به مصادیقی دوم و سوم اشاره کرده‌اند. در قوانین فعلی ایران، حق



ولایت بر اثر و حق حرمت اثر مورد تصریح قانونی قرار گرفته است. در متن لایحه پیش نویس نیز تنها به همین دو مصداق اشاره شده است.

۲) متن لایحه در خصوص پذیرش حقوق معنوی برای پدیدآورنده از ماده ۷ متن سازمان جهانی مالکیت فکری تبیین کرده است، با این حال طبق اصول حقوق مالکیت فکری ایران، این حق را برای پدیدآورنده دائمی دانسته است؛ اگر چه در متن سازمان جهانی مالکیت فکری دیده نمی‌شود. متن لایحه در این خصوص با قوانین فرانسه و الجزایر منطبق بوده و متفاوت از کنوانسیون برن و قانون کپی رایت انگلستان - که مدت حمایت از این حقوق را محدود به مدت حمایت از حقوق مادی (۷۰ سال) کرده است - تفاوت دارد.

۳) اندیشه‌های اقتصادی حاکم بر مقررات کنوانسیون رم و تریپس سبب عدم توجه این دو سند به حقوق معنوی دارندگان حقوق مرتبط شده است، در حالی که برخی قوانین داخلی کشورها (الجزایر و فرانسه) برای اجرا کننده نیز قایل به حق معنوی دائمی شده‌اند. در متن سازمان جهانی مالکیت فکری و متن لایحه حق معنوی تنها به اجراکننده اختصاص دارد، اما مدت حمایت از این حقوق در متن سازمان جهانی مالکیت فکری شده در حالی که در متن لایحه نامحدود است. این امر با توجه به نقش غیرفعال ایران در زمینه صدور اجراها به کشورهای دیگر می‌تواند تعهدات بسیاری برای ما به همراه داشته باشد.

۵- منابع

- [۱] آیتی حمید؛ «حقوق آفرینشهای فکری»، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.
- [۲] مسعودی علی بن الحسین؛ «مروج الذهب و معادن الجواهر»، (بیروت: دارالاندلس، ۱۳۸۵ق) به نقل از: عربیان جواد، چشم انداز فقهی و حقوقی حقوق مالکیت های فکری، (تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲).
- [۳] صفایی سید حسین، حبیبیا سعید، صادقی محسن و محسنی حسن؛ «بررسی تطبیقی کنوانسیونهای برن، رم و موافقنامه تریپس درباره مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط و تأثیر پیوستن به آنها بر فعالیت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران»؛ طرح انجام شده در مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- [۴] صفایی سید حسین؛ «مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی»؛ تهران، میزان، ۱۳۷۵.

- [5] Pierre-Yves Gautier; "Propriété Littéraire et Artistique"; 2ed, paris, P. U. F., 1996.
- [6] Alain Strawel and Estelle Derclaye, Droit d'auteur et numerique, Bruxelles, Bruylant, 2000.
- [7] A. Lucas et J. Lucas; "Traite'de la Propriété Litté raire et Artistique"; 2 éd., Paris, Litec, 2000.
- [8] J. A. L. Sterling; "World Copyright Law"; London, Sweet and Maxwell, 1998.
- [9] Cass. 1re Civ., 31 de'c. 1961. et Cass 1re civ., 6juill. 1965.
- [10] Code de la Propriété intellectuelle, Paris, litec, 2003.
- [۱۱] دادگاه شهرستان پاریس و شعبه اول دیوان عالی این کشور نیز هرگونه اعراض از حقوق معنوی را بدلیل ارتباط آن با نظم عمومی باطل دانسته است. رجوع کنید به: Paris, 20 janv. 1971 et cass. 1re. civ., 5mai 1993.
- [۱۲] آموزگار مریم السادات؛ «آثار حقوقی عضویت ایران در سازمان جهانی در خصوص حق مؤلف»؛ رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲-۱۳۸۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی